



## صبر در تعامل با سالمندان، نمره قبولی در سخت‌ترین آزمون وفاداری است

مادر پیرت برای دهمین بار سؤالی تکراری می‌پرسد، خسته‌ای و می‌خواهی فریاد بزنی، آن لحظه‌ای که به‌جای بی‌حوصلگی، نفس عمیق می‌کشی، لبخند می‌زنی، تو در سخت‌ترین امتحان وفاداری، نمره قبولی گرفته‌ای.

مادر پیرت برای دهمین بار سؤالی تکراری می‌پرسد، خسته‌ای و می‌خواهی فریاد بزنی، آن لحظه‌ای که به‌جای بی‌حوصلگی، نفس عمیق می‌کشی، لبخند می‌زنی، تو در سخت‌ترین امتحان وفاداری، نمره قبولی گرفته‌ای.

خبرگزاری مهر-گروه دین، حوزه و اندیشه: قرآن، کتاب زندگی است که هم نشینی با آن، رنگ خدایی بر همه لحظات و روابط انسان می‌زند: *صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً*؛ و این رنگ الهی، آسان شدن همه امور زندگی و رفع موانع را به دنبال می‌آورد. در مقابل، کسی که به دستورهای قرآن و هم نشینی با آن پشت کند، زندگی اش را سراسر، مشکلات و سختی‌ها فرامی‌گیرد.

قرآن، کتاب زنده‌ای است که هم نشینی با آن حیات بخش است و ما را به مرتبه حیات دعوت می‌کند: *دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ*. قرآن جاذبه‌ای دارد که همچون یک کانون مغناطیسی عظیم، مخاطبانش را به سوی خود می‌کشد. فقط باید خود را در معرض این جاذبه و باران حیات بخش قرار دهیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: *إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ*؛ به درستی که قرآن ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز دارد و باطنی عمیق و بی‌پایان، و غواصی در آن، برای هر کس تازه‌های لحظه به لحظه دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: *«هُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»*.

قرآن، سفره گسترده ضیافت الهی است که برای هر کس با هر سلیقه و نیازی، غذای آماده دارد، تا هر کس هر کمالی را که می‌خواهد، بیش از طلب خود از آن بهره‌برد. همه مهمان این سفره ایم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: *«الْقُرْآنُ مَأْدِبَةٌ لِلَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»*. پس باید بر اشتهایمان بیفزاییم تا بیشتر بهره‌مند شویم. کسی که متخلّق به قرآن شود، به اخلاق ربوبی و صفات ملکوتی متصف می‌گردد؛ همان‌گونه که در وصف رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) وارد شده است: *«كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنَ»*. کسی که کنار این سفره می‌نشیند، درمی‌یابد که صاحب سفره، کریمانه و سخاوتمندانه حضور دارد. آیت الله بهجت (رحمت الله علیه) می‌فرماید: *«خُذْ مَا شِئْتَ مِنَ الْقُرْآنِ لِمَا شِئْتَ»*؛ دواي هر دردی و پاسخ هر مشکلی در قرآن هست. پس این سفره الهی را با مجالس خانگی قرائت قرآن و دست کم در بین اهل خانه، هر شب گسترده کنیم تا دل‌ها و خانه‌هایمان سرشار از نور آن گردد.

آیه روز بیستم

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ/عنکبوت، آیه ۲

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!

امتحان و ابتلا و سختی‌های دنیا برای چیست؟

ادعای ایمان کافی نیست، بلکه صدق آن با «امتحان و فتنه الهی» آزموده می‌شود. این آیه، یک قاعده بنیادین در «سبک زندگی مؤمنانه در میدان مبارزه» است: راه رسیدن به استقلال معنوی گذشتن از مسیر ابتلائات و امتحان‌هاست. این آزمون‌ها انسان مؤمن را مقاوم می‌کنند. این مسیر اجتناب‌ناپذیری است و جامعه باید خودش را آماده سختی‌ها کند ولی سربلند بیرون آمدن از این سختی‌ها باعث موفقیت و پیروزی می‌شود. این آیه، روحیه «استقامت» را در برابر سختی‌ها و فتنه‌ها تقویت می‌کند و بیانگر این سنت قطعی الهی است که مسیر کمال و ورود به بهشت، از طریق عبور از سختی‌ها می‌گذرد. این «&ldquo;فتنه‌ها&rdquo; چه در عرصه‌ی فردی (هواهای نفسانی، شهوت، مال و قدرت) و چه در عرصه‌ی اجتماعی (فشارها، تهدیدها و مصائب)، طبیعت مسیر و وسیله‌ای برای آشکار شدن حقیقت ایمان و رشد مؤمنان است. نباید انتظار داشت که صرف گفتن «ایمان آوردیم»؛ انسان را از مواجهه با چالش‌ها معاف کند؛ بلکه باید در سختی‌ها با تکیه بر خداوند ایستادگی کرد تا اراده استقلال حفظ شود و تسلیم دشمن نگردد. تسلیم شدگان غرب، روزه‌شدگان این آزمون‌اند.

شعر

چو عاشق می شدم گفتم که بردم گوهر مقصود / ندانستم که این دریا چه موج خون فشان دارد (حافظ)

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گوپی / به عمل کار برآید به سخندانی نیست (سعدی)

نازپرورده تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد (حافظ)

حافظ چه نالی گر وصل خواهی؟ / خون باید خورد در گاه و بی گاه (حافظ)

نوبت امتحان تو هم می رسد

گاهی با چیزهایی آزموده می شوی که جانت به آن ها بسته است؛ شبیه رفتن بی خداحافظی آن آدمی که حتی خیال نبودنش هم دیوانه ات می کند یا شبیه مجاله شدن آن ماشین نویی که تمام زندگی ات را برای خریدنش گذاشته ای، و گاهی با بزرگ ترین ترس هایت امتحان خواهی شد، مثلاً با چهره ناامید دکتر موقع بیرون آمدن از اتاق عمل یا مثلاً با خواندن خبر حمله فلان اجنبی به خاک کشورت. این ها را نگفتم تا ته دلت را خالی کنم؛ فقط خواستم یادت باشد که مؤمن واقعی در همین صحنه ها از مدعیان ایمان جدا می شود. به قول حافظ: «نازپروردِ تَنَعْم نبرد راه به جای» که «عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد».

شمشیر را در نظر بگیرد؛ فولادی، برّان و محکم. اما این شمشیر، روزی یک تکه آهن خام و بی شکل بوده است. چه چیزی آن را به این صلابت رسانده؟ ضربات پیاپی پتک، حرارت سوزان کوره و فرورفتن در آب سرد. این «آزمون» آتش و آهن است که از یک ماده خام، گوهری آبدیده می سازد. ما انسان ها نیز اغلب دوست داریم بدون تحمل ضربات پتک و حرارت کوره، به شمشیر برّانی تبدیل شویم. می خواهیم با یک «کلمه»، به مقام قرب برسیم و از تمام سختی ها معاف باشیم.

این همان خیال خامی است که قرآن کریم با یک سؤال کوبنده و بیدارگر، آن را در هم می شکند: >أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ<; «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟» این آیه، یک قانون ابدی و یک سنت قطعی الهی را اعلام می کند؛ ایمان، ادعا نیست؛ بلکه حقیقتی است که صدق آن باید در کوران «فتنه» و امتحان، آشکار شود. راه رسیدن به بهشت و کمال، از جاده آسفالتۀ راحتی نمی گذرد؛ جاده بهشت، سربالایی دارد و پُر از پیچ و خم های آزمایش است.

تنها مسیر

«همۀ حوادث در زندگی فرد مؤمن امتحان است. از حوادث کوچکی که داخل خانه یا محیط کار... پیش می آید تا حوادث بزرگ، ... همه و همه امتحان است.» [۱] و «امتحان الهی یعنی تمرین، یعنی رزمایش. رزمایش، نقطه ضعف های انسان را به او نشان می دهد و [او] سعی می کند آن نقطه ضعف ها را برطرف کند و تبدیل کند به نقطه قوت.» [۲] «امتحان الهی، تنها راه عبور به سمت کمال است.» [۳] «مصائب و ابتلائات و امتحانات الهی باید ما را قوی کند.» [۴]

کربلا، بزرگ ترین نمایشگاه این آیه بود. هزاران نفر ادعای عشق به امام حسین(علیه السلام) را داشتند، اما در کوران فتنه و آزمون شمشیر و تطمیع، تنها ۷۲ نفر بودند که عیار ایمانشان خالص از آب درآمد و در تاریخ ماندگار شدند. شهدای دفاع مقدس و مدافعان حرم نیز مصداق بارز همین آیه در دوران ما هستند. آن ها با خون خود، بر ادعای «آمنّا» گواهی دادند و در آزمون الهی، سرفراز بیرون آمدند.

امروز، این امتحان در عرصه های مختلف جاری است. در عرصه فردی، با وسوسه مال حرام، مقام و شهوت، و در عرصه اجتماعی، با تحریم های اقتصادی، فشارهای سیاسی و جنگ روانی دشمن. کسانی که راه حل را در تسلیم شدن به غرب و دست کشیدن از استقلال می بینند، در واقع رفوزه شدگان همین آزمون بزرگ الهی اند. آن ها می خواهند از زیر بار سختی ها شانۀ خالی کنند، غافل از آنکه تنها راه پیروزی، عبور قدرتمندانه از همین سختی هاست.

پس هرگاه سختی و مشکلی بر سر راه ما قرار گرفت، به یاد بیاوریم که این یک امتحان است؛ یک فرصت برای رشد و اثبات صداقت ایمان ما. آیا از این کلاس آموزشی خدا استقبال می کنیم یا از آن فرار خواهیم کرد؟

عمل و زندگی با آیه

\_ پای برگه معامله نشسته ای. یک امضای کوچک، یک دروغ جزئی، و سودی کلان. طرف مقابل منتظر است. این برگه، برگه

امتحان توست، زیرش بنویس: «خدا می بیند.»

\_ زندگی به سختی خورده است. دیگر خبری از آن شور و شوق روزهای اول نیست. وقتی در اوج خستگی و دل خوری، به جای پرخاش، بلند می شوی یک چای برای همسرت می ریزی، داری برگه امتحان صبر و فداکاری ات را پُر می کنی.

\_ در محیط کار یا دانشگاه، جو سنگین است. همه با پوششی متفاوت از تو راحت اند و تو حس می کنی وصله ناجوری. آن لحظه که وسوسه می شوی کمی شالت را عقب بکشی تا «عادی» شوی، امتحان تو شروع شده.

\_ مادر پیرت برای دهمین بار یک سؤال تکراری را از تو می پرسد. خسته ای، کلافه ای و می خواهی فریاد بزنی. آن لحظه ای که به جای بی حوصلگی، نفس عمیق می کشی، لبخند می زنی و با محبت دوباره جوابش را می دهی، تو در سخت ترین امتحان وفاداری، نمره بیست گرفته ای.

\_ یک خبر جنجالی و تأییدنشده پخش شده که آبروی کسی را هدف گرفته. همه در حال بازنشر و قضاوت هستند؛ اما تو می دانی که همه این ها وسیله امتحان تو هستند.

شیخ رجبعلی خیاط برای دیدن خاله اش به خانه شان رفت. اما وقتی وارد شد، ناگهان متوجه شد که دخترخاله اش در خانه تنهاست و او در یک موقعیت گناه قرار گرفته است. در، پشت سرش بسته شد و شیطان وسوسه هایش را آغاز کرد. در آن لحظه حساس، شیخ با خودش گفت: «رجبعلی! خدا می تواند تو را بارها امتحان کند، تو یک بار خدا را امتحان کن و به خاطر او از این گناه بگذر!» او در آن خلوتگاه، با خدا معامله کرد و گفت: «خدایا! من این گناه را به خاطر تو ترک می کنم، تو هم مرا برای خودت تربیت کن.» سپس از طریق پنجره، خود را از آن خانه و از آن آزمون بزرگ نجات داد. همان لحظه، شروع مکاشفات معنوی او شد. بله رفیق! ادعای ایمان به تنهایی کافی نیست و خداوند در بزنگاه های سخت، عیار ایمان ما را با امتحاناتش می سنجد.

[۱]. «بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی»، ۱۳۷۵/۰۲/۲۹.

[۲]. «بیانات در دیدار مردم اصفهان»، ۱۳۹۵/۰۸/۲۶.

[۳]. «دیدار صدها تن از دانش پژوهان و فرهیختگان جانباز با رهبر انقلاب»، ۱۳۷۸/۰۸/۲۶.

[۴]. «بیانات در دیدار مردم شهرستان بم»، ۱۳۸۲/۱۰/۰۸.